

گفت و شنود با جمیله خرازی به مناسبت برنامه استثنایی دیگری از «بنیاد توس»

شعر و رقص و ترانه در سرزمین چنگ و چغانه

سفری در دشت‌های همیشه شکفته مازندران تا ریگزارهای تفته بلوچستان



«بنیاد فرهنگی و هنری توس» که تا کنون چندین برنامه ارزشمند و پر بار را در لندن به روی صحنه آورده و با استقبال کم نظیر علاقمندان موسیقی و هنر روبرو شده، این بار برنامه استثنایی دیگری را تدارک دیده است که عصر یکشنبه ۲۴ اکتبر در لوگان هال بر صحنه خواهد رفت.

عنوان برنامه این بار بنیاد توس «شعر و رقص و ترانه، در سرزمین چنگ و چغانه» است و همان طور که از نام آن بر می آید، مجموعه‌ای است از ترانه‌ها و رقص‌های متنوع و

گونگون مناطق مختلف ایرانزمین؛ و به گفته برگزار کنندگان، سفری است در دشت‌های همیشه شکفته و سبز مازندران تا ریگزارهای تشنه و تفت زده بلوچستان.

در این برنامه که با همکاری و هنرنمایی شمار زیادی از خوانندگان، نوازندگان، بالرین‌ها و رقصندگان برجسته و هنرمند بر صحنه می‌رود، رقص‌ها و ترانه‌های فولکلور و بومی خطه‌های ایران به تماشاگران عرضه می‌شود.

فرزانه کابلی بالرین برجسته و مشهور و ادوارد جلالیان باله‌نگار، از جمله این هنرمندان هستند و گویندگی این برنامه را نیز فخری نیکزاد و کلیفورد آلیسون برعهده دارند.

به مناسبت اجرای این برنامه هنری، گفتگویی انجام داده‌ایم با خانم جمیله خرازی بنیانگذار و مؤسس «بنیاد توس» که از نظر تان می‌گذرد. جمیله خرازی که خود در زمینه‌های گوناگون هنری سابقه‌ای در خور ستایش و تجاربی ارزشمند دارد، در طول سال‌های گذشته، توانایی و امکانات مالی و معنوی خود را وقف توسعه و گسترش فرهنگ و هنر ایرانزمین کرده و علاوه بر سازماندهی دهها برنامه هنری، کمک‌های مؤثری نیز در راستای مساعدت به دانشجویان و هنرآموزان به عمل آورده و نام خود را در فهرست خادمان صدیق و واقعی فرهنگ ایران ثبت کرده است.

پنج سال خانه فرهنگ و هنر را در لندن ایجاد و راهبری کردم.

● آیا انتخاب نام «بنیاد توس» به دلیل علاقه و ارادت ویژه شما به شخص «ابوالقاسم فردوسی توسی» شاعر والامقام است و اساساً ارتباط خاصی به سرزمین ادب پرور خراسان دارد؟

در زندگی، برای هدف جنگیدن، اعتقاد من است و از بی‌هدفی، بطئی بودن، سکون و در رؤیا یا انکار زیستن همیشه بیزار بوده‌ام. در هر برهه‌ای از زندگی‌ام

● خانم خرازی، مدت زیادی از آخرین مصاحبه‌ای که با شما انجام داده‌ایم می‌گذرد. از اول آغاز کنیم، ابتدا از خودتان شروع کنید، منظورم از اول، واقعا از اول است از بدو تولد. متولد کجا هستید؟ خلاصه‌ای از شرایطی را که در آن رشد نموده‌اید توصیف نمایید.

به جز باله که از نوجوانی جذب آن شدید و فعالیت زیادی در این رشته داشتید، در چه زمینه هنری دیگری فعال بودید؟ آیا تحصیلات شما هم در این زمینه بوده است؟

گویا مدتی هم با وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشتید. لطفاً در این زمینه هم توضیح بفرمائید.

رستن یک گل حتی در گلدان خانگی شاید نوید بهار را بیاورد ولی نمایش گلزار چیز دیگری است

من و من‌ها چونان قطرات باران فقط در استمرار و تجمع می‌توانیم حضور مثبت داشته باشیم. بنابراین بسیار غیر منصفانه است که فقط من از خودم و یا شما از من بگوئید. سالهاست که من به تنهایی در شهر شما، در فضای ایرانی شما و در کنار شما زیسته‌ام و با افت و خیزهای روزمره زندگی در کنار تان بوده‌ام اینکه. از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم هرگز مهم نبوده ولی امروز که حرکت و حضور مثبت فرهیختگانی با عقاید و شرایط گوناگون و از مکاتب مختلف همه عشق در علقه اعتلای فرهنگ و ادب ایران دارند و دست همکاری به ما داده‌اند، مهم است. طبیعتاً این جذب هنر از نوجوانی در من وجود داشت و در این زمینه از داستان‌نویسی تا شعرخوانی، باله و گروه یا تک‌خوانی، بازیگری و صحنه‌سازی سینما را در کنار تحصیلات آکادمیک و حرفه‌ای تجربه کردم و البته سالیان دراز در استخدام وزارت فرهنگ و هنر بودم که هنوز با استادانم در تماس هستم و داستان مرید و مرادی من تمام نشده است و امیدوارم در برنامه آینده این بنیاد که در تاریخ ۲۴ اکتبر در لوگان هال برگزار خواهد شد داستان این علقه را به‌صورت صحنه‌ای هم مجسم کنیم.

● قبل از اینکه اساس «بنیاد توس» را بگذارید، فعالیت‌های دیگری در جهت پیشرفت کارهای هنری مانند تأسیس یک آکادمی موسیقی در لندن داشتید. از آنها بگویید.

به بنیادهای فرهنگی مختلفی که اهدافی در جهت اعتلای فرهنگ و ادب ایران داشتند و یا رگسترهای فیلارمونیک و سمفونیک چندین کشور اروپائی و شرقی، به برگزاری جشنواره‌های موسیقی، تأثر و نمایشگاه‌های نقاشی و چاپ کتاب بسیاری از نویسندگان ایرانی و غیرایرانی، پرداخت هزینه تحصیلی دانشجویان رتبه‌های اول در سطح فوق لیسانس و دکترا در دانشگاه‌های معروف انگلستان و آمریکا، کمک رسانی‌های درمانی و غذایی در مناطقی که احتیاج به آن بوده از بم تا بوسنیا، تأسیس دارالایتام برای کودکان سن ۳ تا ۷ سال، در سال‌های گذشته بسیار کمک‌های مؤثر کردم و برای مدت



جمیله خرازی مؤسس «بنیاد توس»

راهگشای پژوهش‌های ما بوده، بنابراین گلایه‌های چندی که از ما شده را به جان می‌خریم و همیشه ما از دوستان تقاضای کمک و همکاری فکری داریم تا شاید پیاموزیم.

مسأله بلیت تا زمانی که نتوانیم سالن‌های بزرگتری را برای اجرای برنامه‌ها در اختیار بگیریم باید وجود داشته باشد زیرا از حرکت دوستانی که با کمی بی‌مسئولیتی بلیت رزرو می‌کردند و حضور پیدا نمی‌کردند و ما را شرمند در مقابل علاقمندان دیگر رها می‌کردند، جلوگیری می‌شود.

● همه برنامه‌هایی که تاکنون «بنیاد توس» برگزار کرده در لندن بوده است. آیا باز هم چنین خواهد بود و آیا هزینه‌های بالا، اجازه برگزاری این برنامه‌های در نوع خود کم‌نظیر را در کشورهای دیگر نمی‌دهد؟ در این مورد چه برنامه‌ای دارید؟

با کمال اشتیاق و افتخار باید بگویم بعد از اجرای هر برنامه توس چندین پیشنهاد برای تکرار

جدائی داریم. و صرفاً برای دیگران برنامه اجرا نمی‌کنیم.

● این فروتنی و تواضع صادقانه، همواره یکی از صفات برجسته شما بوده است. بهر حال بفرمائید از برنامه‌هایی که تاکنون برگزار کرده‌اید، از کدامشان بیشتر رضایت دارید؟

با افتخار باید یادآوری کنم که در هر گرد هم‌آئی توس به نوع خاصی نگاهی به قسمتی از تاریخ ادبیات و یا هنر ایران افکنده شده و هیچیک شبیه دیگری نبوده بنابراین سخت است از باغبان بپرسند گل محبوب تو چیست زیرا که هر کدام عطری و رنگی در شکل خاص خود دارد.

● برنامه بعدی‌تان چیست؟ و در چه زمانی انجام می‌پذیرد؟ نام برنامه آینده ما که در شب ۲۴ اکتبر در لوگان هال افتخار میزبانی هموطنان عزیز را خواهیم داشت:

شعر و رقص و ترانه در سرزمین چنگ و چغانه است



ادوارد جلالیان

آن برنامه در ممالک دیگر دریافت کردیم و من همیشه هویت و هدف دعوت کننده را برای بقیه دوستان و یاران همراه توس روشن کرده‌ام ولی بپذیرید که نمی‌توان اعتقاد، هنر و جذبه‌های معنوی را با ترازوی پول و قابلیت‌های پول‌سازی برنامه‌ها، کیله زد. ناچار این همسلیقتگی ایجاد نشد ولی امید فراوان دارم که امسال و سال آینده حاوی حوادث و خبرهای بسیار خوبی باشد و چون به گردش ساختاری بسیار مهمی می‌اندیشم امیدم به باروری این آرزو بسیار زیاد است.

● آیا پیامی برای خوانندگان کیهان دارید؟

تنها پیام من بعد از تشکر فراوان از خوانندگان کیهان که لحظاتی از عمرشان را با خواندن فعالیت‌ها و کوشش‌های این بنیاد با ما شریک شدند آن است که: با مهر، عشق و عدالت گرچه نمی‌توان کوه‌ها را تکان داد ولی می‌توان گلستانی در ذهن و جان به وجود آورد که سکر عطرش مشام دشمنان و کثیف‌اندیشان را حتی معطر کند.

کمی به معجزه عشق بیاندیشیم و در این مهم با یکدیگر اتحاد کنیم و این همان آرزوی صلح جهانی است که امید است از خشکزار آرزو به دشت پر گل واقعیت سفر کند.

● خانم خرازی، از مهر همیشگی‌تان به نشریه کیهان سپاسگزاریم.



کلیفورد آلیسون

همیشه در لمس با واقعیت بودم گرچه با خیالات رنگین و غرور عشق به هنر سرم را همیشه به ابرها سائیده می‌دیدم.

و فردوسی که خالق بزرگترین حماسه‌ها و جنگ‌های قهرمانان تاریخ ماست، نماد همین اعتقاد من است.

● برنامه‌هایی که از بدو تأسیس «بنیاد توس» توسط این نهاد در لندن برگزار شد، همگی با استقبال عامه روبرو شد و عمده تماشاچیان از سالن محل برگزاری راضی بیرون آمدند. همه برنامه‌ها با سبک و سیاق خاص خودتان به خوبی انجام پذیرفت. دلیل این توفیق را در چه چیزی می‌بینید؟

به موازات رضایت هر بار تماشاچیان که سالن را ترک کردند میزان شرمندگی و انتقاد من از کارمان بیشتر شد. با آنکه کلیه برنامه‌ها همانطور که گفتید مورد رضایت عمومی بوده و از آن‌ها استقبال شده اما متأسفانه من هرگز هیچیک از برنامه‌های توس را حتی نزدیک به توفیق ندیدم. تا تکامل هنوز راه بسیار است و ما هم بسیار جوان.

منصفانه نیست که این اعتبار به ما داده شود، چرا که یادآوری نستالزی وطن و تکرار و به صحنه کشیدن افتخارات ادبی گذشته است که رضایت را در مردم ایجاد می‌کند. تمام دست‌اندرکاران توس و من در این رهگذر با بقیه می‌خندیم و می‌گرییم چرا که آنها از ما و ما از آنهایم و همه عشق در یک راه و دردی مشترک از یک

که با سفری در دشت‌های همیشه شکفته مازندران تا ریگزارهای تشنه و تفته بلوچستان، از رهگذر تاریخی ایلات و عشایر و نواحی بومی خاک ایران می‌گذریم و در باب فرهنگ، موسیقی و رقص مناطق مختلف به آداب و رسوم و جشن‌های روستا، مهمان می‌شویم و در این شب کار و زحمات رئیس پیشین سازمان فولکلور ایران «رابرت دو وارن» را که خود غیر ایرانی است ارج می‌گذاریم.

● شما به جز برنامه آخرتان بهای بلیت ورودی از کسی دریافت نمودید. قبلاً که بلیت نمی‌فروختید گهگاه برخی چیز می‌گفتند! در برنامه آخرتان هم که رقم کمی بابت هر بلیت ورودی دریافت کردید، یک چیز دیگری گفتند! در این مورد چه می‌گویید. این موضوع را هم توضیح بدهید، اصلاً این گله‌مندی‌ها شما را دلشکسته و مأیوس می‌کند، یا دل‌بستگی شدید شما به اعتلای فرهنگ ایران آنقدر هست که به آسانی از میدان بیرون نروید؟

مقایسه سرباز اجیر، سربازی که در صحنه کارزار برای حقوق و مزایا می‌جنگد نمی‌تواند با سربازی که برای اعتقادش می‌جنگد کار صحیحی باشد. تاریخ و ادبیات ایران چیزی مخلوق ذهن ما نیست، واقعی است. طبیعتاً اعتقاد ما هم واقعی است. بنابراین روحیه مثبت با قلوب پر از عشق به مردم و خاک این کشور و ایمان خالص ما به بیان صحیح واقعیت، تاکنون